

دوست، نویسنده و روزنامه‌نگار نستوه جناب
بهرام رحمانی بزرگوار
با درود و بهترین آرزوها

بسیار سپاس‌گزارم از زحمتی که کشیده و نکات
خوبی را در نقد جلد نخست کتاب این‌جانب
یعنی "روشن‌فکر" تذکر داده‌اید. بی‌گمان این
نقطه‌نظرات و مخصوصاً توجه بیشتر به
مخاطب، تابلوی راهنمایی در ادامه‌ی احتمالی
کار و نگارش مجلدات دیگر کتاب خواهند بود.
البته مطالب شما بیشتر کلیاتی مربوط به
تاریخ روشن‌گری و فلسفه بود و اشارات کم‌تری
به مندرجات کتاب روشن‌فکر داشت. همین
اشارات اندک و نمونه‌های آورده شده نیز به
نظر می‌رسید که چندان در کانتکست و زمینه‌ی
مباحث کتاب دیده نشده‌اند. من چند موردی
را که اشاره فرموده بودید بر اساس متن pdf
ارسالی از ناشر گرامی که مبنای چاپ کاغذی
کتاب بوده؛ مبنای بررسی قرار داده‌ام و نتایج
زیر را به عرض می‌رسانم:

1- فرموده‌اید در ص 328 کتاب و در ذیل
عنوان «آزادی و اختیار بشر» گفته شده:

”ش- از دیگر آموزه‌ها و اصول آیین زرتشتی
عقیده به آزادی و اختیار بشر است. اهورامزدا
انسان را آزاد آفریده و گرچه او را هماره
به کمک نیروی سپنتامینو به سوی راستی
فرامی‌خواند...”

در ادامه پرسیده‌اید:

”خواننده در این جا می‌ایستد و می‌پرسد:
«هماره» و «نیروی سپنتامینو» کیستند؟
خواننده چکار باید بکند و به کدام منبع مراجعه
نماید؟

👉 پاسخ: در این مورد که برای خواننده این
مسئله پیدا شود که «هماره» و «سپنتامینو»
کیستند؛ جای اندکی تأمل است. نخست این‌که
«هماره» نگارش ادبی‌تر قید «همواره» به معنای
همیشه است و گمان نمی‌رود که یک خواننده‌ی
عادی چندان با این صورت نوشتاری ادبی،
بیگانه باشد. دوم این‌که اگر خواننده، کتاب را از
آغاز و به صورت منظم خوانده باشد؛ آگاه است
که در صفحه‌ی 319، این واژه توضیح داده
شده است.

2- در ادامه فرموده‌اید:

” یا چند سطر پایین‌تر در همین صفحه آمده است: «... جان ناس معتقد است که بر اساس مجموعه سروده‌های گات‌ها، می‌توان گفت که اهریمن ازلی نبوده و توسط اهورامزدا آفریده شده است.» خوب باز هم خواننده باید در این‌جا بایستد و فکر کند «جان ناس» کیست؟ «سروده‌ی گات‌ها» کدام است؟ یا این‌که در این بحث آفریننده‌ی بشر و اهریمن اهورامزدا است و هم در دین اسلام، آفریننده‌ی بشر و شیطان خدا است. در این‌جا تکلیف خواننده چیست؟ به کدام یک باور داشته باشد و یا هر دو را طرد کند؟

👉 پاسخ:

بزرگوار! در این‌جا نیز مانند قبل، فرض شما گویا خواننده‌ای است که کتاب را نه از اول، بلکه به صورتی بسیار تصادفی از نیمه باز کرده و انگشت بر اسم یا اصطلاحی گذاشته که معنا و شرح و توضیح آن در صفحات قبلی آمده است. آیا به نظر شما اگر چنین خواننده‌ای نه کتاب «روشن‌فکر» بلکه هر کتاب دیگری را نیز این‌گونه بخواند؛ باز هم همین مشکل را نخواهد داشت؟ به طور مشخص در صفحات بسیاری پیش از 328 که مورد بررسی شما بوده؛ به جان ناس و گات‌ها اشاره شده و در چند جا از جان ناس به عنوان دین‌پژوه و نویسنده نام برده شده است.

👉 هم‌چنین جناب رحمانی گرامی!
هرچند اگر خواننده‌ای کتاب روشن‌فکر را از اول
و به طور دقیق بخواند؛ در هر جا به گزاره‌ها
یا باورهای مسئله‌داری اشاره شده باشد؛ به
صورت یک مباحثه‌ی مبسوط و چند طرفه،
به نقد آنها پرداخته شده است؛ ولی این بدان
معنا نیست که کتاب در پی تحمیل و تلقین یک
باور یا اعتقاد خاص بوده است. هدف کتاب
تنها روشن‌گری و روشن ساختن ابعاد و وجوه
اعتقادات مسئله‌دار گوناگون است که در نهایت
خواننده را به دریافت و بینشی گسترده از
مجموع ادیان و آیین‌ها برساند تا خویش راه
روشن خرد و اندیشه را برگزیند. کتاب در پی
تعیین تکلیف برای خواننده نیست. کتاب در پی
زدن نقبی به دل ادیان به طور کلی و مروری بر
آن بر مبنای عقل و منطق و علم و البته اخلاق
انسانی است.

3- فرموده‌اید کتاب مخاطب را در نظر نگرفته و بیشتر برای روشن فکران و دانشگاہیان است.

👉 پاسخ: اگر به راستی چنین باشد موجب تأسف بسیار من است. زیرا درست به عکس، هدف اصلی این جانب بدنه‌ی جامعه و خوانندگان عامی و عادی بوده است. کسانی که بیش‌ترین دل‌مشغولی و سروکار را با دین در زندگی روزمره دارند و به نوعی ارتش دین‌سالاران جوامع گوناگون و به ویژه ایران را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس است که کوشیده‌ام تا جای ممکن به صورتی بسیار روشن و به دور از مغلط‌گویی و دشوارنویسی، بحث‌ها را پیش ببرم (عنوان فرعی کتاب خود گویاست: گفتگوهای در روشنایی). البته هنوز بر این گمانم که دست‌کم یکی از اشکالات اصلی کتاب بخش مربوط به مغالطات است که بعضاً می‌تواند خسته‌کننده و پیچیده به نظر آید. بی‌تردید در ویرایش دوباره، این مشکل رفع خواهد شد.

طولانی و حجیم بودن کتاب البته یک واقعیت است و باید بگوییم حجم نسخه‌ی کاغذی حتی کم‌تر از آنی است که در فرمت ارسالی برای ناشر محترم بوده و ایشان با کم کردن فواصل بین سطور و تغییرات دیگری در فرمت، حجم آن را بیش از 100 صفحه کاهش داده‌اند. به هر روی اگر حجم یک کتاب به عنوان ایراد و اشکالی برای آن باشد؛ باید گفت این نشان از وضعیت غم‌انگیز و تأثرآور جامعه‌ی کتاب‌خوان است. یک کتاب را نه از روی حجم و تعداد صفحات و کلمات بلکه باید از روی محتوای آن سنجید. اهمیت موضوعی مانند دین در تاریخ بشر و صنعتی که در طول هزاران سال موجب بردگی و بندگی بشر گردیده یک داستان معمولی نیست که بتوان آن را در کتابی کوچک روایت کرد. در زبان فارسی جای انکار نیست که کتاب‌های خوبی مرتبط با نقد دین نوشته شده ولی نکته در اختصار و ناکامل بودن آنهاست. یک بار برای همیشه باید این داستان اگرچه بسیار هم طولانی، گفته شود. هرچند البته به هیچ روی این‌جانب مدعی نیستم که داستان را کامل گفته یا خواهم گفت. ولی هدف من دست کم آزمودن و پیمودن این راه بوده و هست.

گفتنی است جلد دوم این کتاب با محوریت دین یهود، در حالی که هنوز به پایان نرسیده تا کنون نزدیک به 300 هزار کلمه و چیزی بیش از 800 صفحه شده است که در آن آیه به آیه، عهد عتیق مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. برنامه‌ی کلی من برای کل کتاب، 6 جلد است که پیش‌بینی می‌کنم شاید بیش از 3000 صفحه باشد. جلد ششمی هم که به صورت پیش‌نویس برای آن نوشته‌ام و حاوی برخی بحث‌های تکمیلی است؛ خود نزدیک به 400 صفحه است (مجلدات سوم، چهارم و پنجم نوشته نشده‌اند). با تمام این‌ها به خوبی می‌دانم که این کتاب اگر هم تمام شود و بیماری و دشواری‌های زندگی فرصت آن را برایم گذاشته باشند؛ شاید سال‌ها در کنج کتاب‌خانه‌های جامعه‌ی ایرانی خاک بخورد و خوانده نشود. ولی برای من شاید این تنها یادگاری باشد که گمان می‌کنم ارزشش را دارد.

ضمن سپاس‌گزاری دوباره از بابت نقد ارزشمندتان، برایتان نیکوترین آرزوها را دارم. با

مهر/ش. نهانیان 🙏🙏🌹🌹❤️❤️